

تا زمانی که قصد ورود به استانداری را نداشتند، هیچ واکنشی از سوی نیروی انتظامی صورت نگرفت. اما زمانی که تصمیم گرفتند وارد استانداری شوند، ماموران نیروی انتظامی به مقابله با آنان پرداختند. به گزارش خبرنگار ما کارگران معترض بر اثر گاز اشک آور پراکنده و تعداد معدودی از آنها در حین فرار اقدام به شکستن شیشه های دو سینما و یک کیوسک تلفن پلیس کردند و یک موتور سیکل را به آتش کشیدند. خیابان های اطراف محل تجمع تا ساعت یک بعد از ظهر همان روز مسدود بود.

شاکرین دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان با اشاره به مخالفت وزارت کشور برای صدور مجوز این راه پیمایی، گفت: «وزارتخانه مذکور تصمیم نهایی خود را مبنی بر عدم برگزاری این تجمع در آخرین ساعات وقت اداری روز چهارشنبه گذشته که عملاً امکان دسترسی به کارگران جهت اعلام این خبر غیر ممکن بود، اتخاذ کرد.» (ایستنا، ۱۴ مهرماه) وی همچنین اظهار داشت که «اغتشاش گران» (بخوان زحمتکشان) افرادی خارج از مجموعه کارگری بوده اند. وی همچنین گفت: «بدون عدم بازنگری مسئولان در بند (د) قانون حمایت از صنایع نساجی در زمینه حضور نماینده ای از کارگران، در هیئت های حل اختلاف، نمی توان به عدم تداوم اعتراضات کارگران صنایع نساجی امیدوار بود.» اظهارات مهره سرسبرده رژیم در شکل زرد و ارتجاعی «خانه کارگر» نشانه ای کاملاً روشن از استیصال مقامات ضد کارگری رژیم در مقاله با کارگران می باشد. این مهره سرسبرده با کنمان اعتراضات رو به گسترش کارگران سعی دارد، «بی اطلاعی» کارگران، از عدم صدور مجوز برای این راه پیمایی را علت چنین درگیری هایی عنوان کند و این در حالی است که ده ها و صدها اعتراض کارگری بدون صدور مجوز از ارگان های ضد کارگری رژیم انجام گرفته که موفقیت هایی هم برای کارگران به همراه داشته است. شاکرین همچنین موبذیانہ سعی دارد حضور نماینده کارگران در هیئت حل اختلاف را، اشکال اساسی این مصوبه ضد کارگری قلمداد کند در حالی که مخالفت کارگران اصولاً به وجود چنین مصوبه ای است. تاج الدین نماینده اصفهان نیز در باره این موضوع گفت: «اگر وزارت کشور با توجه به حساسیت موضوع و با تعمق و تدبیر کافی عمل می نمود قطعاً این تجمع قانونی آرام برگزار می گردید و اشکالاتی در کنار آن پدید نمی آمد.» (ایرنا، ۱۷ مهر ماه) خانه کارگر، نیز با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: «حوادث اخیر اصفهان و درگیری کارگران نساجی اصفهان با نیروی انتظامی از نتایج بازجولگری از تحریکات قانونی معترضان کارگران می باشد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ مهر ماه) در این اطلاعیه با تأکید بر قانونی بودن حق اعتصاب در کشور، خواستار جلوگیری از تعقیب و بازداشت اعتصاب کنندگان گردیده است. به این ترتیب چیزی که کاملاً مشخص است آن است که علیرغم اعتراض گسترده کارگران، محافل و ارگان های ضد کارگری تمامی توجه را به قانونی بودن یا قانونی نبودن اعتصاب، آن هم به این دلیل که بتوانند آنها را کنترل کنند، محدود کرده اند. در میان اظهارات بیان شده کمتر به ریشه های مشکلات کارگری اشاره گردیده است. اما این مسأله باعث نگردیده که محافل و ارگان های ضد کارگری در پشت پرده نسبت به این موضوع نیز بی تفاوت بنشینند. این محافل و ارگان ها در هراس از هوشیاری و بیداری رو به افزایش کارگران همچون گذشته با انواع ترفندهای امتحان شده مترصد هستند لااقل از گسترش این اعتراضات جلوگیری کنند. در دنباله همین تلاش های مذبحانه، در بیانیه ای که به گزارش ایرنا به طور وسیعی در سطح شهر تهران پخش شد.

ادامه در صفحه ۲

اوج گیری حرکات اعتراضی کارگران

تغییر و تحولاتی که در جامعه کارگری میهن مان در هفته گذشته حادث شد را باید نقطه عطف پراهمیتی در مبارزات کارگران و زحمتکشان ارزیابی کرد. به دنبال مصوبه ضد کارگری مجلس «اصلاحات» که برای اولین بار در حیات سیاسی کشور، اخراج کارگران را به صورت قانون درآورد، ده هزار نفر از کارگران و زحمتکشان کارخانه های نساجی در اصفهان در اعتراض به این مصوبه و اقدامات ضد کارگری دست به تظاهرات زدند که باعث درگیری، خشونت و ضرب و شتم کارگران شد و در جریان آن تعداد زیادی از کارگران نیز دستگیر شدند. روزنامه ارتجاعی کیهان، ۱۴ مهر ماه، نوشت: «حدود ۱۰ هزار نفر از کارگران کارخانجات مختلف نساجی اصفهان پنجشنبه گذشته پس از طی خیابان های سطح شهر در مقابل استانداری اجتماع کردند. معترضان که حدود ۵۰۰ نفر آنها را بانوان تشکیل می دادند، شعارهایی علیه مجلس شورای اسلامی، استاندار، وزارت صنایع و نیروی انتظامی سر دادند و

ضمیمه



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۱۹، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲۴ مهرماه ۱۳۸۰

فعالیت سیاسی، احزاب و امنیت ملی

سطوح مختلف برای شناسایی بهتر عوامل خطر ... و عوامل تفرقه ضروری است. ... باید حرکتی واقعی و جدی برای پیشگیری از توطئه دشمنان انجام شود و نباید اجازه داد زمینه های تفرقه و دعوای جناحی و سیاسی نظام را از داخل تضعیف کند. «سخنان رفسنجانی و لاریجانی تعریف خاصی از «امنیت ملی»، به ویژه در اوضاع حساس و بغرنج کنونی به دست می دهد که با خواست مردم ما و منافع ملی کشور ما همخوانی ندارد. هدف این موضع گیری، ایجاد جو رعب و وحشت، ادامه پایداری کردن حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و تحکیم پایه های حکومتی است که در بسیاری از زمینه ها عملکردش با حکومت ضد انسانی طالبان تفاوتی ندارد. و به تصریح لاریجانی از این شباهت هم نباید شرمند شد و خجالت کشید. برداشت ها و نظرات مرتجعانی همچون لاریجانی و رفسنجانی برای اکثریت قاطع مردم ما روشن و افشا شده است و نیازی به کالبد شکافی بیشتر ندارد، در اینجا آنچه مهم است بررسی موضعی است که بخش هایی از نیروهای جبهه دوم خرداد و خصوصاً رهبری آن اتخاذ کرده است.

محمد رضا تاجیک، مشاور سیاسی - امنیتی خاتمی و رئیس «مرکز بررسی های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری»، طی سخنانی در همان میز گردی، که پیش تر به آن اشاره کردیم، در زمینه فعالیت سیاسی و امنیت ملی می گوید: «سیاست زدگی مفرط، تفسیرها و قرائت های سیاسی جناحی از قانون ... مقدم بودن ملاحظات فردی، جناحی و قبیله ای بر ملاحظات ملی از مهمترین موانع قانون گرایی در رقابت های سیاسی جامعه ایران است.» وی هدف برگزاری میزگرد «تأثیر رقابت سیاسی بر امنیت ملی» را کوشش در جهت تدوین منشور ملی وفاق میان احزاب و گروه های سیاسی ذکر کرد.

ادامه در صفحه ۲

مسأله قانونمند کردن فعالیت احزاب و چگونگی رقابت سیاسی در پارچوب رژیم «ولایت فقیه» در هفته های گذشته، از جمله مهم ترین موضوعات مورد بحث در میان جناح بندی های حکومتی بوده است. تحولات مهم منطقه، حملات نظامی آمریکا به افغانستان و فعل و انفعالات سریع و بغرنج منطقه و در مجاورت مرزهای شرقی میهن ما، به این بحث اهمیت و ابعاد تازه ای داده است.

در رابطه با این مسأله، به ابتکار «مرکز مطالعات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری» میز گردی با نام «تأثیر رقابت های سیاسی بر امنیت ملی» برگزار شد که در آن سخنگوی قوه قضائیه، سخنگوی مجمع روحانیون مبارز، نمایندگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شمار دیگری از وابستگان طیف های سیاسی مختلف رژیم شرکت کردند. در این میزگرد، از جمله نظرات ارائه شده از سوی محمد جواد لاریجانی، از نظریه پردازان ارتجاع، قابل توجه بود. وی با خطرناک توصیف کردن رشد و گسترش آزادی های سیاسی در جامعه و مضرت دانستن فعالیت سیاسی آزاد احزاب گوناگون، تعریف مشخص و دقیقی از رابطه فعالیت سیاسی و تأثیر آن بر امنیت ملی، از دید مدافعان «ذوب در ولایت» ارائه داد که از آنجائیکه روشنگر دید حاکم بر رژیم «ولایت فقیه»، در این زمینه است قابل تأمل و بررسی است. لاریجانی تأکید کرد: «طبیعی است احکام الهی باید اجرا شود، معتقد نیستم اگر شبیه طالبان شویم در این عمل باید خجالت بکشیم.» همزمان با این میزگرد، هاشمی رفسنجانی، سخنگو و کارگزار ارتجاع، در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان، در محل «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، در سخنانی، در ۱۳ شهریورماه ضمن تأکید بر ضرورت اجرای سیاست اعتدال و میانه روی تأکید کرد: «تشریک مساعی و مشاوره در

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامهٔ اوج گیری جنبش های اعتراضی کارگری ...

خانه کارگر با انتشار بیانیه ای، کارگران را به شرکت در مراسم مخالفت با جهانی سازی در روز ۱۸ آبان دعوت کرد. (ایرنا، ۱۶ مهرماه)

در یک اقدام دیگر به دعوت کانون شوراهای اسلامی کار، کارگران صنعت نساجی سراسر کشور، در اعتراض به لایحه نوسازی صنایع در مجلس، در روز ۱۶ مهرماه گرد هم آمدند. به گزارش ایسنا در همان روز، به رغم آنکه دست اندرکاران این برنامه هدف آن را تقдіر از وزیر سابق کار و امور اجتماعی اعلام داشتند، این تجمع بیشتر رنگ و بوی اعتراض به وضعیت صنعت نساجی و قانون تازه تصویب نوسازی صنایع را به خود گرفته بود. تجمع مذکور که از آن به عنوان «اجتماع شش هزار نفری کارگران صنعت نساجی» ذکر شده، عمدتاً مهره های دست چین شده رژیم در تشکل های کارگری تحت کنترل رژیم را شامل می شد. محبوب در این اجتماع به ایسنا گفت: «حقوق اکثریت که نباید در خیابان احقاق شود. خواسته های آنها باید در مجلس و دولت اخذ شده و کارگران اعتصاب را تنها به عنوان ابزاری برای خود می خوانند.» دبیر انجمن صنایع نساجی ایران در گفت و گو با ایسنا، ۱۷ مهرماه گفت: «این تجمعات و تحصن ها بدنبال جو سازی برخی از آقایان است که به ظاهر به فکر کارگر هستند و دم از حمایت از کارگران می زنند، مشکلات کارگران را سیاسی می کنند و به گونه ای که بیشتر به آن دامن می زنند.»

جنبش اظهاراتی تازگی ندارد و اصل مطلب آن است که درگیری های جناحی نباید از وضعیت فلاکت بار کارگران و زحمتکشان سوء استفاده سیاسی کرد. به عبارتی دیگر اجازه بدهید در جهت تحقق برنامه های ضد ملی و ضد کارگری مان از این بابت خیالمان راحت باشد. وزیر جدید کار و امور اجتماعی در راستای برنامه های ضد کارگری دولت هفته گذشته به طور تلویحی از تلاش وزارتخانه متبوعش در مورد تغییر قانون کار که صد البته به نفع سرمایه داران خواهد بود، خبر داد و گفت: «پیگیری جدی برای عملی سازی ظرفیت های قانون کار و شناسایی نارسایی آن از طریق شوراهای عالی کار از دیگر اهداف وزارت کار در طی چهار سال آینده می باشد.» (ایسنا، ۱۶ مهر ماه)

اجتماع ده هزار نفری و شکوهمند کارگران در اصفهان نشان از یوایی مبارزات کارگران و زحمتکشان دارد. برای چندمین بار طی سال جاری کارگران کارخانه های مختلف با به هم پیوستن به یکدیگر اعتراضات خود را نسبت به گذشته غنای بیشتری بخشیدند. کارگران به عین و تجربه دریافته اند که هیچ کدام از جناح های حاکمیت ارگان های ضد کارگری و تشکل های زرد، مجلس «اصلاحات» و دولت جدید محمد خاتمی نه قادر هستند و نه تمایلی به برآوردن خواست های اصولی و به حق آنها دارند. گسترش مبارزات کارگری خارج از ساختارهای تعیین شده دولتی برای کارگران تحول مثبتی است که کارگران باید از آن به نحو مطلوب استفاده کنند. در اینجا باید به نقش مخرب روزنامه کار و کارگر برای گمراه کردن کارگران نیز اشاره کرد. این روزنامه که تحت نظر ربیعی از مشاوران نزدیک خاتمی اداره می شود اخیراً با عمده کردن مساله مهاجران افغانی و این مساله که بیشتر مشاغل موجود توسط آنها اشغال شده، موزیانه سعی دارد سیاست های مخرب اقتصادی را که توسط دولت محمد خاتمی پیگیری می شود و موجب اصلی فلاکت کارگران و استخراج و بیکاری هر روزه آنها گردیده است از زیر ضرب خارج سازد. جنبش کارگری اکنون که تا این حد از رشد و آگاهی رسیده انتشار روزنامه مستقل برای بیان نظرات خویش را بیش از پیش باید مورد بررسی قرار دهد. روزنامه کار و کارگر به عنوان تنها روزنامه کارگری مجاز در داخل کشور وظیفه ای جز حفظ منافع سرکوب گران و غارتگران مردم ندارد. این روزنامه که بخصوص طی چندین ماه گذشته نقش مخرب و ضد کارگری خود را بیش از پیش نشان داده بلندگوی ارتجاع و محافل ضدکارگری رژیم بر ضد کارگران و زحمتکشان می باشد. وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و جنبش کارگری است که با استفاده از خیزش های آگاهانه و هوشمندانه کارگران همزمان با پیش برد مبارزات کارگری نیروی اجتماعی قوی را برای انتشار یک روزنامه مستقل برای کارگران به وجود آورد. زمینه های عینی چنین مهمی علاوه بر اینکه کاملاً مهیا می باشد، ضرورت درنگ ناپذیری است که توسط تمامی نیروهای حامی کارگران و زحمتکشان باید فعالانه پیگیری شود. حوادث هفته گذشته جنبش کارگری درس گرانمایی برای کارگران بود تا ضرورت اقدامات دسته جمعی را برای احقاق حقوق خویش بیش از گذشته درک نمایند.

ادامهٔ فعالیت سیاسی و امنیت ملی ...

به دنبال این میزگرد ستاد ویژه ای با عنوان ستاد «همایش رقابت های سیاسی و امنیت ملی» تشکیل شد که باید مقدمات همایش بزرگی با همین نام را تدارک دیده و کار تهیه پیش نویس منشور یا میثاق وفاق میان جناح های حکومتی را نیز سازمان دهی کند. تاجیک در آخرین گزارش خود از فعالیت های این ستاد، که در روز چهارشنبه ۱۸ مهرماه در مطبوعات کشور درج پیدا کرد از جمله گفت: «دست یابی به یک میثاق و منشور ملی با همدلی و وفاق گروه های سیاسی در کشور از عمده ترین اهداف مورد نظر ماست ... تلاش می شود که گام به گام با وفاق و همدلی دوران گذار در کشور طی شود و تکثر و رقابت های سیاسی در عین وفاق پذیرفته شود.» محمد خاتمی، رئیس جمهوری، نیز در دیدار با اعضای ستاد مذکور بر ضرورت یافتن نقاط مشترک و نکته هایی که موجب وفاق ملی و توافق بر سر اصول میان گروهها باشد تأکید کرد. در ادامه همین تلاش ها، میر حسین موسوی، که اکنون سمت مشاور عالی رئیس جمهوری را داراست، طی گفت و گویی با اعضای همین ستاد که در روزنامه «حیات نو» انتشار یافت، با تأکید بر مواضع مشابهی اظهار داشت: «یکی از مشکلات کنونی جامعه ما نبود میثاق در فعالیت ها و تعامل احزاب سیاسی کشور است. می توان با تدوین چنین میثاقی این نقیصه را برطرف کرد ... از مشکلات موجود در تعامل بین احزاب و جناح های سیاسی این است که آنها آینده مشترکی برای خود تصور نمی کنند، در حالی که این نگاه مشترک به اندازه اشتراک در گذشته تاریخی آنها اهمیت دارد.»

به مجموعه این سخنان باید موضع گیری های علی یونسی، وزیر اطلاعات، را نیز افزود تا مبنای میثاق و وفاق ملی بیشتر آشکار شود. یونسی جندی پیش، در تاریخ ۷ تیرماه، در دیدار با مدیران بنیاد مستضعفان فعالیت سیاسی آزادانه و خارج از چارچوب های مورد توافق و اختلافات جناحی را سخت زیان بار توصیف کرد. بر اساس مجموعه بالا به نظر می رسد که حرکت گام به گام به سوی «وفاق ملی» در واقع سیاست عقب نشینی گام به گام بخش هایی از جبهه دوم خرداد در برابر خواست های ارتجاع حاکم است. پنهان هایی همچون «امنیت ملی»، «ثبات داخلی»، «فقر معرفتی» و دوری از «سیاست زدگی مفرط»، پوششی است برای نادیده گرفتن خواست های اساسی جنبش مردمی و اتخاذ سیاستی که تنها هدفش «حفظ نظام» به هر قیمتی است. در این زمینه سخنان محمد رضا خاتمی، دبیر کل جبهه مشارکت، در جلسه سالیانه این مجمع، که در محل مجموعه فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل شد، بسیار حائز اهمیت است. خاتمی با صراحت می گوید: «اصل مهم اصلاحات آرامش و اعتدال است ... باید اولویت بندی کرد و در اولویت بندی باید به حداقل مطالبات مردم توجه داشت و از رفتن به سوی احابت حداکثر مطالبات مردم اجتناب کرد...» البته آقای خاتمی روشن نمی کند که اصولاً این حداقل خواست ها چیست و چه کسی قرار است این میزان حداقل را تعیین کند. آیا حقوق اولیه انسانی، همچون آزادی بیان، تشکل و تحزب جزء این حداقل ها محسوب می شود یا نه؟ و یا حداقل منظور آقای خاتمی تن دادن به تعریفی است که مرتجعان حاکم، به رهبری خامنه ای از روند اصلاحات بدست داده اند و آن عبارت است «حاکمیت کامل و بدون چون چرای ولایت مطلقه فقیه»!؟

فاجعه سیاست های تسلیم طلبانه و مناشات گرانه رهبری جبهه دوم خرداد در مقابل تعرضات گسترش یابنده ارتجاع حاکم در ماه های پیش و پس از انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، صدمات جدی را به جنبش مردمی وارد کرده است. ضربات وارده ارتجاع به جنبش دانشجویی، دستگیری های وسیع، ایجاد اشعاب و چند دستگی و نا امید شدن بخش های وسیعی از جنبش دانشجویی از آینده روند اصلاحات تنها گوشه یی از این صدمات است. راه حل تضمین «امنیت ملی» نه سرکوب خشن آزادی ها و حقوق شهروندان میهن و پیشاپیش آنها توده های محروم و زحمتکش، بلکه رشد و گسترش آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم میهن ماست. امنیت واقعی، و نه امنیت برای غارتگران و جنایتکاران مسلح و نیمه مسلح در لباس «حزب الله» و «انصار حزب الله»، تنها با احترام و اجرای خواست های اکثریت قاطع مردم میهن ما ممکن می گردد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>
- 4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

**Supplement to Nameh Mardom-NO 619
Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

16 October 2001

**شمارهٔ فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷**

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse